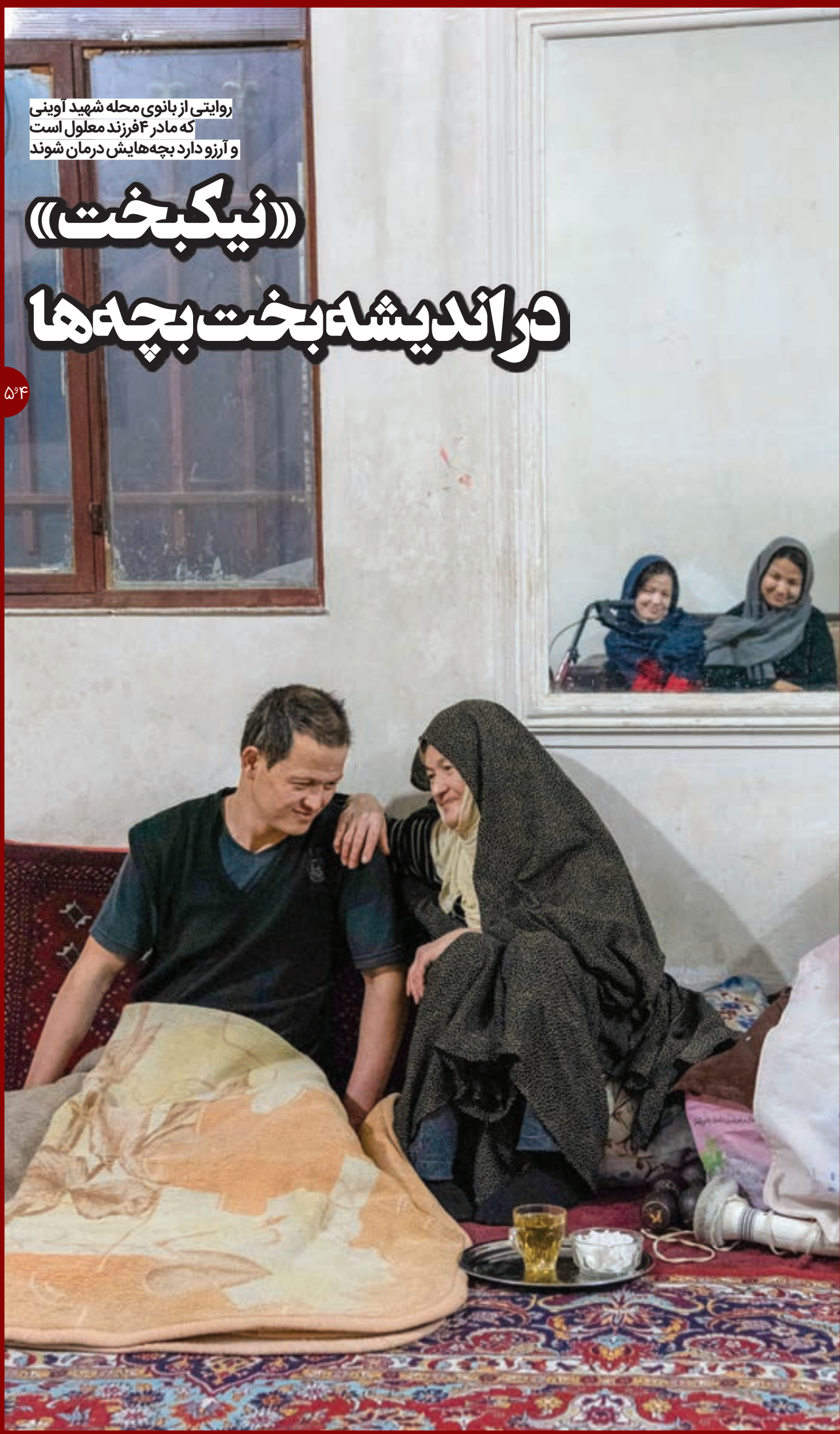


روایتی از بانوی محله شهید آوینی  
که مادر ۴ فرزند معلول است  
و آرزو دارد بچه‌هایش درمان شوند

# «نیکبخت»

## در اندیشه بخت بچه‌ها

۵۴



۶

شهر و ندان داستان نمادها  
و دیوارنگاره‌های به‌جا  
مانده از بهارهای گذشته  
را روایت می‌کنند

تعامل بین مردم  
و المان‌ها



۴

شنبه بازار رنگارنگ

۷

پرواز بادبادک‌ها در آسمان «مهدی آباد»

نشست مردمی اعضای شورای اسلامی شهر و مسئولان شهری در مسجد محله مهرآباد برگزار شد

## بازگشایی معابر عبادت و کرامت در خواست اصلی اهالی



سید محمد عطائی هفته گذشته مسجد موسی بن جعفر (ع) در حاشیه خیابان عبادت محله مهرآباد میزبان دوتن از اعضای شورای اسلامی شهر، فرمانده سپاه ناحیه مسلم، مسئول پهنه شهید عصمتیان، شهرداران مناطق ۶، ۵ و دیگر مسئولان شهری بود تا در یک جلسه تریبون آزاد مشکلات و درددل اهالی محله مستقیم به گوش اهالی برسد. در این جلسه تعدادی از اهالی به نمایندگی از بقیه مهم ترین مشکلات و درخواست های خود را مطرح کردند و در پایان شهردار منطقه ۵ و اعضای شورای اسلامی شهر نیز به بیان سخنانی پرداختند.

### درخواست انتقال پارکینگ خودروهای سنگین به بیرون از محله

در ابتدای جلسه سرهنگ محمد شریف، فرمانده سپاه ناحیه مسلم، پشت تریبون رفت و به بیان نکاتی درباره حاشیه شهر و محله مهرآباد پرداخت و خطاب به اعضای شورای شهر گفت: اگر می خواهید حرف مردم را واقعی و بدون واسطه دریافت کنید بهترین و معتمدترین افراد در حاشیه شهر فرماندهان پایگاه بسیج، هیئت امنای مساجد و امامان جماعت مساجد هستند. از رئیس محترم شورای شهر درخواست دارم جلسه ای با این افراد برگزار کند. باور دارم که این افراد بهترین مشاوره را برای تصمیم گیری شما ارائه خواهند کرد.

زارع یکی از ساکنان به نمایندگی از دیگران به بیان مشکلات پرداخت و در شروع صحبت، معضل بازگشایی معبر کرامت و خیابان عبادت را مطرح کرد.

او گفت: بازگشایی خیابان عبادت به سمت محدوده مفتوح شرقی و به سمت خیابان کرامت که معبری بسیار حیاتی و پر تردد است بسیار ضروری است. این خیابان بسیار پرتر است و رفت و آمد زیادی در آن انجام می شود. چهار مدرسه در این خیابان وجود دارد و رفت و آمد دانش آموزان و خانواده هایشان در آن بسیار مشکل است. نکته بعدی بازگشایی میدان کرامت به سمت مهرآباد است. این خیابان نیز به سبب وجود زمین های «فردی» هنوز بازگشایی نشده است.

زارع در ادامه گفت: سومین مشکل در باره احداث پل روگذر ماشین رو از مفتوح غربی به مفتوح شرقی است. در این محدوده بار ترافیکی بسیار زیادی را شاهد هستیم و این پل روگذر به رونق محله کمک شایانی می کند. مورد دیگر درخواست اهالی، تغییر شکل میدان به چهارراه در تقاطع کرامت و مفتوح شرقی بود. زارع در این باره گفت: وجود این میدان محدود را بسیار پرخطر کرده است. اگر چهارراه ساخته شود، زیباتر و ایمن تر خواهد بود. مورد بعدی انتقال ایستگاه های فروش مصالح و پارکینگ خودروهای سنگین به خارج از محله است. وجود این موارد تصویر نازیبایی به محله داده است. صحبت بعدی زارع در باره زمین سابق جمعه بازار بود. او به کاربری بهداشتی و درمانی آن اشاره کرد و گفت: فضای محدوده به علت منافع عده ای، جایگاه فروش مصالح ساختمانی و توقف وسایل نقلیه سنگین شده است.

او به مشکل جمع آوری معناتان متجاهر محله هم پرداخت و در ادامه برای تکمیل مسجد محله و در آخر سامان دهی معابر شهرک صنعتی ثامن نیز درخواست کمک کرد.

در ادامه چند نفر دیگر نیز به بیان نظرات خود پرداختند و موارد مطرح شده در ابتدای جلسه نفی یا بر ضرورت آن تأکید شد. مثلاً پل روگذر ماشین رو بین مفتوح غربی و شرقی غیر ضروری و بازگشایی تعریض خیابان عبادت بسیار مهم قلمداد شد. اهالی به صبر چهل ساله خود برای بازگشایی معابر اشاره کردند و از رئیس شورای اسلامی شهر مشهد تقاضا کردند تا این مشکل را به عنوان اولین و مهم ترین درخواست پیگیری کند.

### بازگشایی معابر محله را پیگیری خواهیم کرد

در پایان رئیس شورای اسلامی شهر مشهد با اشاره به مطالبات مردمی مطرح شده در این نشست گفت: همه این موارد را پیگیری خواهیم کرد تا به سرانجام برسد و نتیجه ای داشته باشد. مشکلات و مسائل حاشیه شهر باید به تدریج و بر اساس اولویت ها حل و فصل شود.

حسن موحدیان افزود: وظیفه سازمانی و رسالت اصلی شهرداری در حاشیه شهر، پاسخ گویی به نیازهای عمرانی است. با توجه به تکرار درخواست ها مشخص است که دغدغه اهالی برای معابر محله اولویت دارد و مادر و هله اول بازگشایی معابر محله را پیگیری خواهیم کرد.

در این برنامه از مادران شهید محله با اهدای لوح و هدایایی قدردانی شد.

بازارچه کرامت در فرهنگسرای غدیر بستر مناسبی برای فروش محصولات بانوان هنرمند منطقه است

## شنبه بازار رنگارنگ



نیکی و عقیده | چند هفته ای می شود که فرهنگسرای غدیر در محله شهید شیرودی میزبان خانم های محله شده است. هر شنبه می آیند میزها را وسط سالن ردیف به ردیف کنار هم قرار می دهند و بعد با دقت و حوصله دست سازه هایشان را می چینند. آثاری که همگی هنر دست خودشان است. از عروسک بافتنی و دستبند و انگشتر گرفته تا منوش گیاهی و غذای محلی جنوبی و... بازارچه برکت و کرامت بستری را برای فروش محصولاتشان فراهم کرده است. بستری برای بروز هنرشان و پیشرفت در مسیری که در آن قدم گذاشته اند.

### میزهایی برای آشنایی

محال است پایه فرهنگسرای غدیر بگذاری و از کنار این فضای شاد و رنگارنگ سرسری عبور کنی. ممکن است برای زدن واکسن به اینجا آمده باشی یا برای شرکت در یکی از کلاس ها. فرقی ندارد. هر چه باشد دیدن میزهای شلوغ و سوسو برانگیز تو را مجاب می کند که راه کوچ کنی و نگاهی به محصولات روی میز بیندازی. مدتی است که شنبه های فرهنگسرای غدیر به همین شکل می گذرد. خانم های هنرمند محلات اطراف که برخی شان سرپرست خانوار هستند صبح زود به فرهنگسرای غدیر می آیند و فضا را برای فروش محصولاتشان و مراجعه بازدید کنندگان فراهم می کنند. با چند نفر از این خانم ها گفت و گومی کنیم تا از جزئیات کارشان سر در بیاوریم.

نادیه صالحی، ساکن شهرک شهید بهشتی، است و اصلًا تاجنوبی. او خوراکی های لذیذ جنوبی را روی میز چیده است. از دلمه و سمبوسه جنوبی گرفته تا سس انبه. همه این محصولات را خودش درست کرده است. میز او حالا یکی از شلوغ ترین میزهای این بازارچه است و تا به اینجای کار از فروش محصولاتش رضایت دارد. می گوید که سال هاست خیاطی می کند اما آشنیزی را بیشتر دوست دارد. دلش می خواسته بازاری برای فروش غذاها و خوراکی های دست بخت خودش داشته باشد و حالا این بازارچه چنین بستری را برای او فراهم کرده است. می گوید: علاوه بر فروش محصولات، قرار گرفتن در این فضا باعث شد که با خانم های دیگر آشنا شوم. افرادی که در آشنیزی مهارت دارند و با هم علایق مشترک داریم. حالا ارتباط خوبی بین ما شکل گرفته است و برنامه های زیادی برای کسب و کارمان داریم. اینکه با هم گروهی تشکیل بدهیم و کارگاه داشته باشیم.

### از شمع سازی تا عروسک بافی

در گوشه دیگری از این بازارچه میز کوچکی قرار دارد که روی آن انواع و اقسام شمع ها چیده شده است. شمع مومی ضد آسم، شمع ژله ای، شمع های عطری و... مریم محسنی سازنده این شمع هاست. او به طور آنلاین دوره های شمع سازی را می گذراند و حالا از طریق این بازارچه کوچک فرهنگسرای غدیر توانسته است محصولاتش را بفروشد. هنوز دوسه ماه بیشتر از شروع کارش نمی گذرد اما فروش خوبی داشته و از کسب و کارش نسبتاً راضی است.

گوشه ای دیگر عروسک های بافتنی روی میز چیده شده است. این جاقسمت مورد علاقه بازارچه برای کودکانی است که دست در دست پدر و مادرشان پایه فرهنگسرای غدیر می گذارند. فائزه انصاری نژاد سازنده این عروسک هاست. او تا یک سال پیش لیف می بافته است اما حالا کارش را گسترش داده و عروسک هم می بافت.

ایده برگزاری این بازارچه را اعظم باقری می دهد. او مربی شیرینی پزی فرهنگسرای ترفیک است. با کمک و گفت و گو با مسئولان فرهنگسرای ترفیک ابتدا ۸۱ بان ماه بازارچه ای برای فروش شیرینی های خانگی خانم ها برگزار می کند. وقتی با استقبال بی نظیر خانم ها روبه رو می شود تصمیم می گیرد این ایده را گسترش بدهد. سپس ششم آذرماه اولین روز بازارچه در فرهنگسرای غدیر هم برگزار می شود و شنبه های هر هفته هم ادامه پیدا می کند. بانوان ساکن محله به فرهنگسرای محله می آیند و محصولاتشان را می فروشند. حالا ۲۲ میز در فرهنگسرای غدیر در اختیار بانوان منطقه ۶ گذاشته شده است.

## منطقه

### تجلیل از مادران شهیدان

هم‌زمان با سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س) از مادران شهیدان دیدار و تجلیل شد. متولی این برنامه فرهنگ سرای امر به معروف و نهی از منکر بود و مسئولان شهرداری منطقه ۵ و شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین (ع) هم در این بازدید حضور داشتند. ابتداء دیدار با خانواده شهید مرتضی دوران، شهید مدافع حرم انجام شد و بعد به منزل مادر دوشهید دفاع مقدس، شهیدان محمود و علی امیری رفتند.

### اراضی بزرگ مقیاس ظرفیت منطقه

شهردار منطقه ۵ گفت: اراضی بزرگ مقیاس از ظرفیت‌های ویژه این منطقه است. علی‌شیرمحمدی در دوشنبه‌های پاسخ‌گویی که در محل اداره ارتباطات مردمی شهرداری مشهد برگزار شد، گفت: وجود اراضی بزرگ مقیاس یکی از ظرفیت‌های ویژه این منطقه است. بر همین اساس مذاکره و تفاهم با بزرگ مالکان رادر دستور کار داریم.

### آماده‌باش نیروهای خدمات شهری

رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۵ آماده‌باش نیروهای خدمات شهری در پی بارش باران خبر داد. امیرصادق باجوری گفت: ۲۸۵ کارگر خدمات شهری به همراه یک دستگاه نیمان و چهار کمپرسی خاور، چهار دستگاه تانکر خاور خودمکش و هشت دستگاه پمپ کفکش، دو دستگاه لودر، دو دستگاه وانت در منطقه ۵، آماده خدمت‌رسانی به شهروندان بودند.

### برگزاری جشنواره آشپزی

هم‌زمان با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) جشنواره آشپزی مادر و دختر در منطقه ۵ برگزار می‌شود. این جشنواره با همکاری فرهنگ سرای بهرمان، اداره شورای اجتماعی محلات منطقه و اداره فرهنگی و اجتماعی برگزار می‌شود. این جشنواره، ۷۰ بهمن ماه ساعت ۹ صبح در فرهنگ سرای بهرمان برگزار می‌شود و افراد برای شرکت در این برنامه می‌توانند تا ۵ بهمن ماه ثبت‌نام کنند.

## منطقه

### اجرای رأی قلع بنا

در راستای کاهش تخلفات ساختمانی صدمت‌مربع رأی قلع بنا در محله مصلی انجام شد. اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای منطقه ۶ در راستای اجرای رأی قطعی کمیسیون‌های ماده صد مبنی بر قلع بنا با رعایت تشریفات قانونی، برای کاهش تخلفات ساختمانی اقدام به اجرای صدمت‌مربع رأی در محله مصلی کرد. رأی قلع این ساختمان به دلیل احداث طبقه‌ها از دور رعایت نکردن استحکام و قوانین ساختمانی بوده است.

### بازدید از مجتمع فنی و حرفه‌ای

هفته گذشته سید امیر متروی، معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان خراسان رضوی و شهردار منطقه ۶ مشهد از مجتمع در حال ساخت شهید قاسم سلیمانی در انتهای خیابان شهید معقول بازدید کردند. این مجتمع فنی و حرفه‌ای قرار است میزبان دختران این منطقه باشد تا مهارت‌های مختلف را آموزش ببینند و زمینه اشتغال آن‌ها فراهم شود. این مجتمع تا ۲۲ بهمن به بهره‌برداری خواهد رسید.

### روکش آسفالت معابر

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۶ گفت: ۱۴ هزار مترمربع از معابر منطقه در سه ماه پاییز امسال روکش آسفالت شد. احسان نجاری مقدم بیان کرد: معابر، بولوارها و خیابان‌ها از مهم‌ترین فضاهای شهری هستند که مورد استفاده روزمره شهروندان است و آسفالت معابر و مناسب‌سازی مسیرهای می‌تواند نقش مهم و ارزنده‌ای در ارتقای رضایتمندی شهروندان داشته باشد.

### قدردانی از برگزیدگان غدیریه

مراسم قدردانی از برگزیدگان جشنواره غدیریه در فرهنگ سرای غدیر برگزار شد. هم‌زمان با ده ولایت، جشنواره محله آرای بی با عنوان «پویش غدیریه» برگزار شد. در این جشنواره که با هدف افزایش روحیه هم‌بستگی و تعامل میان ساکنان محلات و بازآفرینی هویت محله با همکاری شورای اجتماعی محلات برگزار شد، از ظرفیت حداکثری تشکل‌های مردمی استفاده شد و دوری این آثار توسط بنیاد بین‌المللی غدیر انجام شد.

مدیر دفتر توسعه محله‌های شهرک شیرین و عمار یاسر و شهید آقا مصطفی خمینی از جزئیات برنامه‌های در دست اقدام می‌گوید

### تمرکز بر اشتغال ساکنان محله



نیکو عقیده بهسازی و ساخت مسجد، ایجاد بازار روز، تجهیز مدارس و... این‌ها تنها بخشی از پروژه‌ها و برنامه‌هایی است که قرار است اجرای آن‌ها در هفته‌های آینده در محله عمار یاسر و شهرک شیرین شروع شود. مدیر دفتر توسعه این محلات از جزئیات این برنامه‌ها برآیند می‌گوید. حسین صاحب‌قلم در ابتدای گفت‌وگو از نشستی می‌گوید که هفته گذشته در دفتر تسهیلگری محله عمار یاسر برگزار شد. جلسه‌ای با موضوع بهسازی مسجد جواد الائمه (ع) و با حضور مسئولان شهرداری منطقه ۶، اداره اوقاف و امور

خبریه استان خراسان رضوی، معتمدان محلی و هیئت امنای این مسجد. ساخت و بهسازی این مسجد قدیمی به دلیل کمبود منابع مالی نزدیک به دو سال بود که متوقف شده بود. حالا اما قرار است که به زودی عملیات ساخت آن از سر گرفته شود. او در ادامه می‌گوید: یکی از مشکلات همیشگی مردم این شهرک گندابی است که در کال امیرآباد در جریان است. این موضوع مشکلات زیست‌محیطی زیادی را به وجود آورده است. بار بار زنی‌ها و پوییگیری‌های دفتر تسهیلگری این محله با سازمان‌های

مختلف قرار است به زودی به این مشکل رسیدگی شود و روی سطح کال پوششی قرار داده شود. حسین صاحب‌قلم در ادامه این گفت‌وگو از راه‌اندازی روز بازار محله شیرین هم خبر می‌دهد: ایجاد اشتغال برای ساکنان شهرک از موضوعات مهمی بود که همیشه آن را پیگیری می‌کردیم. حالا با موافقت سازمان میادین و سامان دهی مشاغل شهری و شهرداری منطقه قرار است طی یکی دو هفته آینده در مجاورت سوله در دست‌احداث مدیریت بحران شهرک شیرین سه شنبه بازاری راه‌اندازی کنیم تا فروشندگان محلی بستر

مناسبی برای فروش محصولاتشان داشته باشند. از دیگر پروژه‌هایی که در حوزه اشتغال زایی در حال انجام است پروژه راه‌اندازی مجتمع فنی و حرفه‌ای شهید قاسم سلیمانی است که صاحب‌قلم در باره آن توضیح می‌دهد: این مجتمع در حال ساخت در انتهای خیابان شهید معقول قرار دارد و تا ۲۲ بهمن به بهره‌برداری می‌رسد. طی گفت‌وگو‌هایی که با خیر این مجتمع داشتیم قرار بر این شده است که تعداد زیادی از بانوان شهرک در این مجتمع ثبت‌نام شوند و بعد زمینه اشتغال زایی آن‌ها فراهم شود.

## منطقه

### ورزشگاه محله کم‌برخوردار برای مردم برخوردار



مجموعه ورزشی صداقت

۲۵۰۰ متر مربع

۳ میلیارد تومان

شهرکی یکی از اولویت‌های شهرداری منطقه ۵، افزایش سرانه ورزشی است و اگر زمینی به شهرداری واگذار شود، به‌فراخور مکان و نیاز محله، تبدیل به مکان ورزشی و تفریحی برای نوجوانان و جوانان می‌شود. مجموعه ورزشی صداقت نیز یکی از زمین‌های ورزشی روباز مجهز منطقه است که چمن مصنوعی و زمین والیبال و بسکتبال و فوتسال دارد. مکانی که سال ۱۳۹۴ در کنار سوله چندمنظوره شهید علیمردانی در محله حسین آباد شکل گرفت تا استعدادهای ورزشی منطقه بیش از پیش شناسایی شود. این مجموعه مورد استقبال شهروندان قرار گرفت. مسابقات کشتی و والیبال ناسنوایان و مسابقات دارت شهری و آمادگی جسمانی محلات از سوی شهرداری مشهد در سال‌های گذشته در این مجموعه برگزار شد.

مصطفی پیرهنده از جوانان محله حسین آباد ۱۸ ساله است. از نوع لباس پوشیدنش مشخص است که به فوتسال علاقه زیادی دارد. می‌گوید: چه حیف! این زمین متعلق به منطقه و محله ما است اما در واقع نیست! باید در یک روز خاص در سایت شهرداری ثبت‌نام کنی و اگر نوبت برسد، هزینه هم برای آن پرداخت کنی. او معتقد است: بچه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که امکانات دیگری ندارند، باید از این‌طور مکان‌ها رایگان استفاده کنند و یکی دو روز در هفته، این مکان برای جوانان ورزشکار حاشیه شهر باشد. چون بسیاری از ستاره‌ها از دل همین محله‌ها برخاسته‌اند.



روایتی از بانوی محله شهید آوینی که مادر ۴ فرزند معلول است و آرزو دارد بچه‌هایش درمان شوند

## «نیکبخت» در اندیشه بخت بچه‌ها

منطقه



خمیده هفت فرزند است. او که به همراه خانواده‌اش اوایل انقلاب از افغانستان به ایران آمده و در این سال‌ها روزگار خوش چندانی ندیده است. اسمش را خلاف بختش می‌داند و به شوخی می‌گوید: بخت نیک نداشتیم ولی اسم نیکبخت است، جدا از آن، اسم وفامیلم شبیه اسم و فامیل دو فوتبالیست است. سن و سالش را دقیق نمی‌داند و حدود ۶۰ سال سن دارد. به عنوان یک آدم شصت‌ساله زیادی پیر شده است. ۴۰ سال کار در خانه‌های مردم از نظافت بگیر تا پرستاری و مراقبت، پشت او را خیم کرده است. هر چند خودش علت این خمیدگی را بیماری چهار فرزندش می‌داند. می‌گوید: من مادرم آقا، چهار فرزند سالم و سرحال بودند و در سن بلوغ بیمار شدند و به این روز افتادند. این وضعیت پشت هر مادری را خیم می‌کند. محمد ۱۹ سالگی روی ویلچر افتاد، مرضیه دیپلمش را گرفته بود و می‌خواست برود دانشگاه، جعفر هم دیپلمش را گرفت و صدیقه ام تا سوم راهنمایی درس خواند و بعد از آن دچار بیماری شد. برای فرزندانش خیلی آرزوهای خوبی داشتیم و باز هم توکل به خدا هر چه خودش صلاح می‌داند.

### ● بیماری خاص و ناشناخته ژنتیکی

نیکبخت خانم بغض می‌کند و حق دارد. دخترها و پسرهایش با هوش هستند اما این بیماری توانشان را گرفته است. معصومه فرزند بزرگ خانواده و متأهل است. او امشب برای کمک و دیدار به خانه مادر و پدرش آمده و دائم با چای سبز خوش طعمی پذیرایی می‌کند. محمد آقا فرزند بعدی است و بعد از آن علی، اسماعیل، مرضیه، جعفر و صدیقه هستند. از بین این فرزندان محمد، مرضیه، جعفر و صدیقه به بیماری «آتا کسی» فردریش مبتلا هستند. مادر و پدر بچه‌ها دختر عم و پسر عم بودند و بیماری ژنتیکی بچه‌ها هم محصول این شرایط است. محمد حسین میرزاپور پدر خانواده است. او از مشکلات و سختی‌های زندگی در دوران زندگی در افغانستان صحبت می‌کند. از زمانی که مجبور می‌شوند از حکومت کمونیستی برقرار شده در آنجا بگریزند و با سختی‌های فراوان خودشان را به ایران برسانند. از بچه‌های خواهم بیماری را معرفی کنند و آن‌ها هم به سختی و شمرده شمرده اسم خاصش را به زبان می‌آورند. صدیقه با لهجه خارجی خاصی می‌گوید: «آتا کسی» فردریش می‌گویم چه اسم خارجی همه می‌خندند. مرضیه می‌گوید: سن شروع بیماری افراد متفاوت است. محمد ۱۹ سالگی، من و جعفر ولی چون خواهرم ضعیف‌تر بود از ۱۲ سالگی علامت بدنش نمایان شد.

سید محمد عطائی صبور و دل‌خسته است و بار زندگی را به دوش می‌کشد. اما همه دل خوشی‌اش که او را سرپا نگه داشته فرزندانش هستند، به ویژه فرزندان که ناتوان هستند و برای کارهایشان به کمک او نیاز دارند. نیکبخت میرزاپور از زمانی که جوان بوده تا الان که ۶۰ ساله است، هم مادر بوده هم پرستار جسم و روح فرزندان و مرهم دلشان. ۴۰ سال کار در خانه‌های مردم از نظافت گرفته تا پرستاری و مراقبت از سالمندان پشت او را خیم کرده است اما نگذاشته آب در دل بچه‌هایش نکان بخورد. کار کرده تا بتواند خرج دوا و دکتر چهار فرزند معلولش را در بیاورد؛ معلولیتی که ناگهان بعد از سن بلوغ یکی یکی گریبان محمد، مرضیه، جعفر و صدیقه را می‌گیرد. او نماد یک مادر فداکار است و عاشقانه خود را وقف نگهداری از بچه‌هایش کرده است. مهربان است و دل بزرگی دارد. این را می‌شود از تک‌تک جملاتش فهمید وقتی از ابتدا تا انتهای گفت‌وگو دائم به مادران دیگر توصیه می‌کند تا آزمایش ژنتیک را جدی بگیرند. چهار فرزند او مبتلا به بیماری آتا کسی فردریش هستند که روی مویخچه اثر می‌گذارد. سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) و بزرگداشت مقام مادر، بهانه‌ای می‌شود لحظاتی را کنار مادر و فرزندان سپری کنیم و خاطر اتشان را ورق بزنیم.

### ● من مادرم آقا!

خانه کوچکشان در انتهای کوچه بن بست محله شهید آوینی است. وارد که می‌شوم ابتدا اسکلت اتاق کوچکی را می‌بینم که نیمه کاره رها شده و ساخت آن به پایان نرسیده است. لوازم زیادی اطراف حیاط کوچک است و بین همه آن‌ها دو ویلچر توجهم را جلب می‌کند. وارد می‌شوم و تنها یک اتاق بزرگ می‌بینم که همگی در آن زندگی می‌کنند. دور تادور اتاق مادر، پدر، مادر بزرگ و چهار تا از فرزندان نشان نشسته‌اند. بابت به هم ریختگی خانه خیلی عذر خواهی می‌کنند. اما حقیقت این است که خانه‌شان بسیار با صفا و خوش‌انرژی است. کمی حرف می‌زنم تا اعتمادشان را جلب کنم. قبلاً افرادی آمده‌اند و تنها با آبروی خانواده بازی کرده‌اند. فیلم و عکس گرفته‌اند و مشکلاتشان را به این سو و آن سوی جهان نشان داده‌اند. این اتفاق مستندی شده از زندگی‌شان که هیچ خیر و برکتی برای آن‌ها نداشته است و تنها باعث شده تا جلودوست و همسایه خجل شوند. بعد از آن صدیقه فیلم خودش را در فضای مجازی می‌بیند و از شدت غصه حالش بد می‌شود. دیر اعتماد کنند. نیکبخت

تا جایی که بتواند نمی‌گذارد بچه‌ها حسرتی داشته باشند و مثلاً تا کسی می‌گیرد تا مرضیه به کلاس نقاشی برود و برگردد

#بیماری\_آتا\_کسی\_فردریش\_#مادر





### ● قهرمان زندگی بچه‌ها

صدیقه متولد سال ۱۳۷۷ است. ته تغاری خانواده که خودش راناز پرورده نمی‌داند. اومی گوید: فقط اسمم ته تغاری است و خبری از ناز کشیدن و رفاه نیست. صدیقه بیشتر شباهت را به مادرش دارد و آدم حرص و جوشی و مهریانی به نظر می‌رسد. او علاوه بر آن کسی فردریش از بیماری صرع و تشنج هم رنج می‌برد و سابقه بیماری عفونی هم دارد. او همیشه نگران است و دائم دلهره دارد. می‌گوید: نمی‌دانم چه کار کنم که این اخلاق از سرم بیفتد. وقتی سال اول راهنمایی بودم امتحان دادم و نگران نمره ام بودم و با اینکه حالم خراب بود به مدرسه رفتم تا نمره ام را بفهمم. تب شدید داشتم و کسی هم نبود به سمت مدرسه رفتم ولی در راه تشنج کردم. آن مشکلات و بیماری عفونی باعث شد، بیماری آتا کسی فردریش زود تر در من نمایان شود. او هم در باره مادرش می‌گوید: مادرم قهرمان زندگی همه ماست. قهرمان ترین مادر جهان، کسی که نمی‌تواند لحظه‌ای دوری ما را تحمل کند. هیچ کدام از مادران دوستانم به پای مادرم نمی‌رسند چه در محبت و چه در حمایت از فرزندان. مادرم هیچ چیز برای خودش نمی‌خواهد. چندبار قبل از روز مادر به اومی گویم که می‌خواهم مراسم جشنی بگیرم و هر کادویی دلت می‌خواهد برایت می‌خرم ولی فقط می‌گوید که سلامتی ما را می‌خواهد و می‌خواهد تا وقتی زنده است سلامتی ما را ببیند. بارها گفته که می‌خواهد تا وقتی زنده است راه رفتن ما را ببیند.

### ● عکس یادگاری وسط دعوی خواهرانه

مرضیه و صدیقه همدیگر را دوست دارند ولی اختلافات خواهرانه مختصری هم دارند. نیکبخت خانم خاطره‌ای روایت می‌کند از چند سال قبل که خواهرها با یکدیگر درگیر شده بودند. مادر در حین آنکه خواهرها موهای همدیگر را می‌کشیدند و سلطان هاقرا می‌گیرد و به جعفر برادرشان می‌گوید از این وضعیت عکس بگیرد تا برای آینده یادگاری بماند. از همین خاطره روحیه نیکبخت خانم را می‌شود فهمید. او شخصیت مهربان، باهوش و فهمیده‌ای دارد و در وندارش فرزندان بیمارش است. /

### آهسته گامان دوست داشتنی

از این خانواده دوست داشتنی خدا حافظی می‌کنم ولی حس خوب خانه‌شان از خاطر نمی‌رود. شوخ هستند و دل مهربانی دارند. این خانواده نیازمند حمایت هستند. اگر کورسویی برای درمان وجود دارد، باید برای آن تلاش کرد. کاش جوانمردانی آن‌ها را برای درمان به آلمان بفرستند. خانه‌شان برای بچه‌ها مناسب نیست. در مسیر حرکت بچه‌ها نباید کوچک ترین اختلاف سطحی وجود داشته باشد. الان همگی در یک اتاق هستند و کسی حریم شخصی ندارد. این‌ها همه شرایط بیماری را سخت تر می‌کند. این عزیزان راه رفتن، صحبت کردن و دیگر کارهایشان را آهسته انجام می‌دهند. استاد محمد حسین جعفری استاد نقاشی و هنر در محدوده گلشهر که خود نیز معلول است، برای بچه‌های درگیر با این بیماری نام «آهسته گامان» را انتخاب کرده که نام بسیار زیبایی است.

کتری آب جوش را بگیرند و برای خودشان چایی بریزند. حاضر است کارها را خودش بکند اما بچه‌هایش آسیبی نبینند. محمد امامی گوید: تا کی؟ بالآخره که باید خودمان از پس کارهایمان بر بیاییم. مادرم تا کی می‌تواند خودش را وقف ما کند.»

### ● به عشق فرزندانم زنده‌ام

مرضیه متولد سال ۱۳۷۳ است. او در باره مادرش می‌گوید: مادرم غیر قابل توصیف است. خاطر هست که چند سال پیش مؤسسه خیریه‌ای دکتري از آلمان آورده بود به ما گفتند که بیاید تا دکتر شمارا معاینه کند. هر چهار تا به همراه مادر رفتیم. آن دکتر ما را که دید به ما درم گفت: «برو این‌ها را بندها را جلودر بهزیستی و خودت را راحت کن.» از آنجا که بر گشتیم حال روحی مان خیلی خراب بود. من یکی دل‌می خواست بروم همان بهزیستی و جایی که مزاحمتی برای کسی نداشته باشم. آن قدر اصرار کردم تا بالاخره مادرم راضی شد و تا کسی گرفت و ما را به بهزیستی خیابان کوهسنگی برد. آنجا گفت شما توی خود رو بنشینید تا من بروم کارهایش را بکنم و بیایم. رفت و مثلا کارهایش را کرد و گفت نمی‌شود. اما من می‌دانستم که فقط این کار را کرد تا من دیگر فکر آسایشگاه را نکنم. نیکبخت خانم می‌گوید: من به همان دکتر هم گفتم که به عشق فرزندانم زنده‌ام و اصلا این چه حرفی است که خودم را راحت کنم. تالخطه‌ای که جان دارم کنار فرزندانم می‌مانم و برایشان هر کاری می‌کنم.

مرضیه ادامه می‌دهد: مادرم تا وقتی می‌توانست کم‌ترش را صاف نگه دارد، کار کرد و جوری ما را بار آورد که دستمان جلو کسی دراز نباشد. ما تا سال ۹۷ نمی‌دانستیم مؤسسه خیریه چیست و زیر پوشش بودن جطور است. سال ۹۷ مؤسسه خیریه‌ای آمد و به بهانه اینکه می‌خواهیم شمارا معرفی کنیم تا درمان شویید از ما فیلم گرفت و همه چاپ‌خش کرد. برای درمان آتا کسی در آلمان به نتایجی رسیده‌اند. ما هم هنوز وارد دهه دوم بیماری نشده‌ایم و درمان راحت تر است هر چند اگر پنج سال پیش می‌رفتیم، وضعیتمان الان این طور نبود. مرضیه چندین بار به زبان آورده که حاضر است روی بدنش هر آزمایشی بکنند بلکه راه درمان این بیماری کشف شود و دیگران این زجر را نبینند.

### ● مادرم درختی خمیده ولی قوی است

مرضیه درباره مادرش می‌گوید: مادرم همیشه حق را به همه می‌دهد. خیلی مهربان است و با اینکه مشکلاتش فراوان است اما با هم غم و غصه مظلوم‌ها و مردمان را می‌خورد. او مادرش را شبیه یک درخت پیر و سال خورده می‌داند که ریشه‌های عمیق و قوی دارد و می‌گوید: مادرم درخت است اما هنوز در حال جوانه زدن است. درختی که خیلی خمیده شده اما هنوز جوان و با انگیزه است. مادرم خیلی دردمی‌کشد. هم روحی و هم جسمی. اما هنوز سر پاست. زنی قوی که سایه سرماست. حس حمایتی که مادرم به ما می‌دهد خیلی خوب است و همیشه حرف‌های خوب و تشنگ می‌زند. مادرم صبر را به ما یاد داده است.

### مادران، آزمایش ژنتیک را جدی بگیرند

نیکبخت خانم کودکی داشته که در شش سالگی فوت می‌کند. سراغ خانم دکتري می‌رود و آن دکتر حدود ۲۵ سال قبل آزمایشی می‌گیرد و به او می‌گوید که دیگر بچه‌دار نشو و گرنه بیمار خواهند شد. نیکبخت این موضوع را به همسرش می‌گوید ولی چون تا آن زمان فرزندان‌شان بیمار نشده بودند حرف خانم دکتر، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. وقتی واقعیت را باور می‌کنند که دیگر کار از کار گذشته و فرزند آخرشان هم به دنیا آمده است. حالا او با تمام وجود دو چیز می‌خواهد. اول درمان و شفای بچه‌هایش و بعد اینکه مردان و زنان بدون آزمایش ژنتیک بچه‌دار نشوند. او می‌گوید: ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) را به همه مادران تبریک می‌گویم و از خدا و حضرت فاطمه (س) خواهش دارم که فرزندان هیچ مادری مثل من نشوند. جدا از این باید بگویم دکتر به من گفته بود و به حرفش نکردیم. من با همین قضیه به علم پزشکی باور پیدا کردم که جطور آن همه سال پیش، پزشکی به من گفت این اتفاق می‌افتد. حالا از مادر و پدرها خواهش می‌کنم که با آینده فرزندان‌شان بازی نکنند و آزمایش ژنتیک را جدی بگیرند به ویژه در ازدواج‌های فامیلی و با زمینه بیماری ژنتیک در خانواده‌هایشان.

### ● آرزو دارم بچه‌هایم درمان شوند

سال هادوندگی کرده‌اند. نیکبخت، پول کارگری در خانه‌های مردم را صرف دوا و دگر بچه‌ها کرده و به هر دری زده جواب نگرفته است. گویا تنها پزشکان آلمانی دوا و درمان بخشی از بیماری را کشف کرده‌اند که هنوز هم قطعی نیست. اما آرزوی مادر بچه‌ها این است که بتواند بچه‌هایش را برای درمان به آلمان ببرد. همین اتفاق باعث شده او اجازه بدهد که برای تصویر برداری از آن‌ها به خانه‌شان بیایند. آن‌ها گفته‌اند ما فیلم می‌گیریم و برای پزشکان آلمانی می‌فرستیم. نتیجه اما هیچ بوده است. با این حال نیکبخت خانم می‌گوید که حاضر است در رادیو و تلویزیون مادر و پدرها را راضی کند تا آزمایش ژنتیک بدهند. اومی گوید: مادر و پدرها از مادرس عبرت بگیرند و آزمایش ژنتیک را پشت گوش نیندازند. تمام آرزوی من و فرزندانم به باد رفت. دوست داشتم همگی درس بخوانند و در اجتماع فرد موفق باشند. معلم‌هایشان این‌ها را دوست داشتند چون بچه‌های آرام و باهوشی بودند اما حیف که این طور شد. مدیر مدرسه جعفر تا مدت‌ها ناراحت بود و اشک می‌ریخت که چرا جعفر این طور شده است. جعفر هم شاگرد اول بود و همه در مدرسه دوستش داشتند. نیکبخت خانم روزها می‌رفته و خانه‌های مردم را نظافت می‌کرده است. شب‌ها هم برای پرستاری کنار بیزن و پیر مرد‌های مانده و عملاً ۲۴ ساعت سر کار بوده است. تا خرج دوا و دگر بچه‌ها را فراهم کند. الان هم تاجایی که بتواند نمی‌گذارد بچه‌ها حسرتی داشته باشند و مثلاً تا کسی می‌گیرد تا مرضیه به کلاس نقاشی برود و برگردد. او آرزو دارد زنده باشد و سلامتی بچه‌هایش را ببیند.

### ● پسر خوش غیرت خانواده که زمین گیر شده است

محمد گوشه‌اتاق نشسته و حرف‌ها را گوش می‌کند. جلومی روم و کنارش می‌نشینم. محمد متولد سال ۱۳۶۲ است. او فرزند خوش غیرت مادر و پدر است. پسری که وقتی ۱۲ یا ۱۳ ساله بوده قید درس خواندن روزانه را می‌زند. روزها سرکار می‌رود و شبانه در سرش را ادامه می‌دهد تا کمک خرج آن‌ها باشد. محمد آقا از همان سال هاسرکار گچ کاری می‌رود و درست وقتی که دیگر استاد کار شده علامت بیماری نمایان می‌شود. او از روزهای اول تشدید شدن بیماری اش می‌گوید که جطور هنگام راه رفتن تا ایستگاه اتوبوس تلوتلومی خورد و بقیه فکر می‌کرده‌اند معتاد شده است. محمد خاطره‌ای هم تعریف می‌کند از زمانی که هنوز بیماری بر تنش غالب نشده بود. اومی گوید: همیشه در ایستگاه‌های ویژه‌ای افغانی بگیر می‌بود. مدارک اقامت من هم مدتی قبل به سرقت رفته بود و من هم برای دستگیر نشدن یک ایستگاه قبل پیاده می‌شدم. یک روز رفتن تا آب خوری آب‌خورم که مأمور‌ها من را گرفتند و به اردوگاه سفید سنگ بردند. یک ماه نگه داشتند و درست قبل از روزی که مدارکم آمد من را درمزره کردند. آنجا دوماهی اسیر اشرار شدم و بالاخره فردی من را تا زابل و از آنجا هم فرد دیگری من را تا مشهد آورد.

خاطره با مزه‌ای تعریف می‌کند که علت اینکه لورفته‌اند داشتن جوراب بوده است. گویا آن زمان بیشتر مهاجران جوراب پانمی کرده‌اند و همین نشانه‌ای بوده که آن‌ها افغانی هستند. همین قضیه باعث خنده خواهران و مادرش می‌شود و شوخی‌های بعدی هم پیش می‌آید. او مادرش را خیلی دوست دارد ولی دلش می‌خواهد بیشتر از این باعث عذابش نباشد. دلش می‌خواهد کارهایش را خودش انجام دهد تا مادر پشت خمیده‌اش را بیشتر از این به زحمت نیندازد. اما نیکبخت خانم اجازه نمی‌دهد. چون می‌گوید که دستان فرزندان‌شان آن قدر قوت ندارد که مثلاً

### معرفی بیماری «آتا کسی فردریش»

«آتا کسی فردریش» نام بیماری ژنتیکی‌ای است که علائم آن شامل از دست دادن کنترل نقص گفتاری، نارسایی‌های قلبی و عصبی است. علاوه بر آن، این بیماری با ناهماهنگی در حرکات، بی‌ثباتی در استقرار بدن و ناهنجاری در راه رفتن همراه است. سن بروز علائم اولیه در مبتلایان به این بیماری به طور متوسط بین ده تا پانزده سالگی و زیر ۲۵ سال است. در این بیماری بافت عصبی به ویژه در قسمت‌هایی از نخاع و اعصاب حسی بخش‌هایی که با مخچه در ارتباط هستند از بین می‌رود. کاهش رفلکس تاندون‌ها، اختلال در گفتار، سستی عضلات، انقباض و تشنج در اندام تحتانی، از بین رفتن نورون‌های بینایی، انحنای جانبی ستون فقرات، نقص عملکرد مثانه، از دست دادن حس موقعیت یابی و حس نکردن ارتعاشات از جمله علائم این بیماری است. از جمله علائم غیرعصبی نیز آسیب عضلات قلبی و نوعی از دیابت است که درصدی از بیماران به آن مبتلا می‌شوند.

شهر و ندان داستان نمادها و دیوارنگاره‌های به‌جامانده از بهارهای گذشته را روایت می‌کنند

## تعامل بین مردم و المان‌ها



### ● نقاشی‌های کمتر دیده شده

اما این تنها دیوارنگاری ماندگار این منطقه نیست. بهار ۱۳۹۹ سه نقاشی دیواری متفاوت در بولوار بسیج ۷ روی دیوارهای بزرگ سیمانی کنار بزرگراه نقش بست. نقاشی آرش کمانگیر، کاوه آهنگر و نبرد اسفندیار و گرگ. به پشت این دیوارها ساری می‌زنم تا با ساکنانی که در مجاورت این دیوارنگاری‌ها زندگی می‌کنند گفت‌وگویی داشته باشم. وقتی اسم این سه نقاشی را می‌شنوند با تعجب نگاه می‌کنند و اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. عده کمی هم بودند که این نقاشی‌ها به چشمشان خورد بود. محسن شهسوار که کاسب قدیمی همین محله است می‌گوید: یکی دوبار که با خودم روزه بزرگراه عبور می‌کردم این نقاشی‌ها را دیدم. اما چیزی دستگیرم نشد!

بهار سال ۹۷ شمال شهید این منطقه توسط میثم از بابون روی این دیوار نقش بست. دیوارنگاره‌ای که به دل ساکنان این منطقه هم نشست و هنوز که هنوز است درباره آن صحبت می‌کنند و آن را یکی از بهترین دیوارنگاره‌های منطقه می‌دانند.

مرتضی نیک سرشت که یکی از خواروبار فروشان قدیمی خیابان مصلی است آن سال را به خوبی به یاد دارد. اینکه درست در روزهای پایانی سال شاهد بالارفتن داربست‌ها و بعد رنگ آمیزی دیوار شده بودند. آن سال با این تغییر، حال و هوای نوروزی خیابان هم پررنگ تر شده بود. می‌گوید: از شهید رستمی تنها یک اسم شنیده بودم که نام این خیابان بود. این نقاشی را که کشیدند و چهره اش را که روی دیوار دیدم. کنجکاو شدم که شهید محله مان را بیشتر بشناسم. پرس و جو کردم و چیزهایی از زندگی اش دستگیرم شد.

میان برگ نخل‌ها نشسته اند و در حال خرما چیدن هستند. روی دیوار دیگر درست مقابل زمین فوتبال شهرک نقاشی سه پسر بچه سیاه چرده را می‌بینم که دست در گردن یکدیگر به پهنای صورت خندیده‌اند. یکی از این دیوارنگاره‌ها اما داستان متفاوت تری دارد. این نقاشی یکی از قدیمی ترین دیوارنگاره‌های شهر است که اردیبهشت سال ۱۳۹۶ توسط عمار سالخورده حقیقی روی یکی از بلوک‌ها، نرسیده به صد متری نقاشی شده است. نقاشی حاجیه خانم میاسه غالیه زاد یکی از ساکنان شهرک که مادر چهار شهید است. مادر حمیدرضا، عبدالرسول، عبدالوهاب و عبدالرضا بحرینی. با ساکنان شهرک که گفت و گو می‌کنم متوجه می‌شوم که میان این همه دیوارنگاره، این را جور دیگری دوست دارند. مسعود شیخی می‌گوید: این نقاشی یاد و خاطره شهید ابرار ایمان زنده می‌کند و برای همین اهالی اینجا دوستش دارند.

اثر السلطان با موضوع امام هشتم<sup>(ع)</sup> از دیگر دیوارنگاره‌های شهرک است که درست کنار بازار انتهای شهرک قرار دارد. نظر کاسیان بازار را که درباره این دیوارنگاره می‌پرسیم می‌فهمیم که این دیوارنگاره را دوست دارند. مهدی بیات، خرما فروش سالخورده شهرک، می‌گوید: خیلی خوشحالم که نام و نشانی از امام هشتم<sup>(ع)</sup> روی دیوار این شهرک هست. هر روز که به مغازه ام می‌آیم نگاه می‌هم به این نقاشی می‌اندازم و دلم هوای حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> را می‌کند.

در هفته‌های پایانی سال ۱۳۹۶ سرپرست مدیریت امور هنری شهرداری مشهد از ۳۲ مورد دیوارنگاری به مناسبت فرارسیدن بهار خیر داد که یکی از آن‌ها ترسیم شمایل شهید بابا محمد رستمی در تقاطع بولوار شهید رستمی و مصلی بود. آن سال سهم منطقه ۶ از دیوارنگاری‌های نوروزی تنها همین یک مورد بود.

سحر نیکو عقیده چند سالی می‌شود که در آستانه بهار شهر رنگ و روی دیگری به خود می‌گیرد. المان‌ها و دیوارنگاره‌ها هم حکم تن پوش‌های تازه را دارند که شهر به تن می‌کند و نوید رسیدن بهار را به ساکنانش می‌دهند. این نوید دهندگان بهار را می‌توان در جای جای شهر پیدا کرد. سازه‌ها و نقاشی‌های رنگارنگی که طی این سال‌ها مهمان کوچ و خیابان‌ها شدند. بعضی‌ها ایشان ماندگار شدند و بعضی‌ها هم رفتند. المان‌ها و دیوارنگاره‌های به‌جامانده حالا هر کدام داستان خودشان را دارند و شهر و ندان بهترین روایان این داستان‌ها هستند.

اکنون پس از گذشت این سال‌ها به سراغ مردم منطقه ۶ رفتیم تا این سازه‌ها و نقاشی‌ها را از نگاه آن‌ها ببینیم. بسیاری از مردم منطقه توجهی به المان‌ها نداشتند. بسیاری هم از سهم اندک مردم منطقه از المان‌های نوروزی گله داشتند و....

### ● شهرک رنگارنگ

شهرک شهید بهشتی دوست داشتنی را می‌توان رنگارنگ‌ترین محدوده منطقه ۶ دانست. آن‌روی هیجان انگیز و پر رمز و راز شهر که هنوز آن‌طور که باید و شایسته کشف نشده است. مردم این شهرک هم فرق‌هایی با ساکنان دیگر دارند. مدل خودشان لباس می‌پوشند، به سبک خودشان جشن و عزاداری برگزار می‌کنند و خلاصه سبک مخصوص به خودشان را برای زندگی دارند. در دیوار این شهرک هم حالا رنگ و روی دیگری دارد. پر شده از دیوارنگاری‌های رنگارنگ که هر کدام داستان مخصوص به خود را حکایت می‌کنند. داستان‌هایی که از دل فرهنگ و پیشینه و تاریخ خودشان بیرون آمده‌اند. روی یکی از دیوارها نقش دوزن جنوبی به چشم می‌خورد که

## کهنه پوش مناطق دیگریم!

ساکنان شهرک شهید رجایی و شهرک شهید باهنر هم درباره المان‌های نوروزی گله دارند: از اینکه سهمی از المان‌های شهری ندارند و دلشان می‌خواهد با فرارسیدن بهار محل زندگی آن‌ها هم مثل نقاط دیگر شهر رنگ و روی دیگری داشته باشد. با یکی از این اهالی که گفت و گو می‌کنم می‌گوید: هیچ کس اهمیتی به ما نمی‌دهد و سهمی از المان‌های شهر نداریم. فقط چند باری المان‌های قدیمی نقاط دیگر را به اینجا آوردند. ما کهنه پوش مناطق دیگریم!

مهدیه پیوندی می‌افزاید: از معدود المان‌های این محدوده اما المان موش موشک است. چند موش رنگارنگ که در بوستان رجا قرار گرفته‌اند. این المان‌ها بیشتر از همه مورد توجه بچه‌ها قرار گرفته‌اند. کودکانی که با دیدن این موش‌ها چشم‌هایشان برق می‌زند، می‌خندند، کنار این موش‌ها می‌ایستند تا پدر و مادرانشان از آن‌ها عکس یادگاری بگیرند.

## سهم اندک ما از نمادهای نوروزی

اسما الحسنی یکی از معدود المان‌های منطقه است که اسفند ماه سال ۱۳۹۹ در میدان شهدای گوهر شاد قرار می‌گیرد. در یکی از شلوغ‌ترین و پررفت و آمدترین نواحی این منطقه! درختی فلزی و خوش آب و رنگ که اسامی الهی روی آن نوشته شده است. برخی کسبه و اهالی این المان را دیده‌اند و می‌شناسند، برخی هم توجهی به آن نداشته‌اند.

سارا طاهر یکی از ساکنان خیابان مصلی است و یکی از معدود اهالی که این المان را می‌شناسد. ابتدا از سهم اندک ساکنان منطقه از المان‌های نوروزی گله می‌کند و بعد نظرش را درباره این المان‌ها می‌گوید: هر زمان که از میدان شهدای مسجد گوهر شاد عبور می‌کنم چشمم به این درخت هم می‌افتد و حس خوب می‌گیرم. گاهی پیش می‌آید که چند ثانیه‌ای هم می‌ایستم و اسم‌های روی برگ‌هایش را می‌خوانم و با حال خوب به مسیرم ادامه می‌دهم.

خیلی خوشحالم که نام و نشانی از امام هشتم (ع) روی دیوار شهرک شهید بهشتی است



نوجوان محله شهید بسکابادی  
از ضایعات دورریختنی وسایل کاربردی می‌سازد

# جعبه ابزار جادویی مهدی

نیکو عقیده | کار دستی ها و دست‌سازهای مهدی در گوشه‌گوشه خانه کوچکشان پیدا می‌شود. هیچ وسیله‌ای این‌جا دور ریخته نمی‌شود و مهدی با مهارت خاصی که دارد آن‌را به چیز دیگری تبدیل می‌کند تا جور دیگری استفاده شود. مهدی کفایشان متولد سال ۱۳۹۰ نوجوان با استعداد محله شهید بسکابادی است. او راه‌آلی این کوچه به ما معرفی می‌کنند. می‌گویند که می‌تواند با دست‌هایش معجزه کند و با ضایعات و دورریختنی‌های مختلف وسایل دیگری بسازد. به خانه کوچک آن‌ها پا گذاشتیم تا دست‌سازهای او را ببینیم.

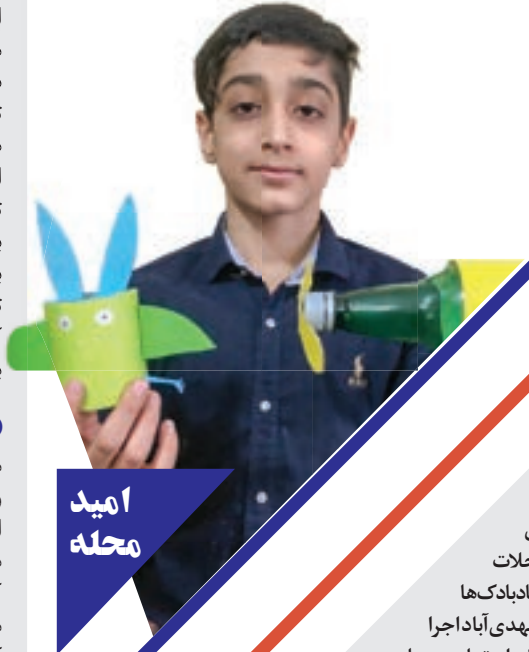
## ● خانه؛ کارگاه کوچک مهدی

اولین فرزند یک خانواده هشت نفری است و از زمانی که به یاد دارد از خواهر و برادرهایش مراقبت می‌کرده است تا کمک حال مادرش باشد. ۱۲ سال بیشتر ندارد اما با همین سن وسایل کم‌کلی مهارت مختلف دارد. از آشپزی و پخت‌وپزهای مختلف بگیرد تا تعمیر دوچرخه و... مهارت اصلی او اما کار دستی و ساخت وسایل کاربردی از ضایعات دورریختنی است. اولین چیزی که ساخته را به خاطر ندارد و نمی‌داند که چه زمانی به این کار علاقه مند شده است. می‌گوید همیشه دلش می‌خواست وسایل مختلف بسازد. تنها ابزار و وسایلی هم که برای این کار پیدا می‌کرده ضایعات دورریختنی خانه بوده است. با استفاده از دربطری، نمکدان، درست می‌کند، با بطری دلستر، گلدان. برای خواهر و برادرهای کوچک ترش هم اسباب بازی‌های مختلف می‌سازد. کم‌کم خانه برای مهدی تبدیل به کارگاهی کوچک می‌شود. مادر ابتدا به شلوغ کاری او اعتراض می‌کند اما بعد که استعداد و علاقه‌اش را می‌بیند با او همراهی می‌کند. پدر هم جعبه ابزار کوچکی را برای مهدی می‌خرد.

## ● بهترین دست‌ساز

مهدی بهترین دست‌سازها را هواپیمای کوچک زرد رنگش می‌داند. آن را با بطری، مقوا و چند وسیله دیگر ساخته است. او این هواپیما را به مدرسه برده و بابت خلاقیتی که داشته از معلمش جایزه هم دریافت کرده است. به پیشنهاد معلمش حالا او عضو ثابت کتابخانه دهخدا در شهرک شهید رجایی شده است. می‌گوید که کتاب‌های مورد علاقه‌اش کتاب‌هایی با موضوع فنی و حرفه‌ای هستند. کتاب‌هایی که او در آن‌ها ساخت وسایل مختلف را می‌خواند و آموزش می‌بیند. مهدی ایده ساخت خیلی از ابزارها را از توی همین کتاب‌ها می‌خواند. البته بسیاری از کار دستی‌های او حاصل فکر خلاقانه‌اش هستند. در پایان این گفت‌وگوها از او درباره آرزوهایش می‌پرسیم. می‌فهمیم که تمام آرزویش ساختن است. اینکه هیچ وقت چشمه خلاقیتش خشک نشود و هر روز چیز جدیدی بسازد.

ابزار وسایلش را نشان می‌دهد. هویه، پیچ‌گوشتی، چهارسو و... می‌گوید که این‌ها را پدرش برایش خریده است. دلش می‌خواهد جعبه ابزار کوچکش روز به روز بزرگ‌تر شود تا وسایل بیشتری برای خلق کردن داشته باشد.



امید محله

## رویداد

در هفته هوای پاک  
۲۰۰ خانواده در محله گرد هم آمدند

# پرواز بادبادک‌ها در آسمان «مهدی آباد»



## عطائی‌سال هاست

که بادبادک بازی در

منطقه ۵ به یک بازی بومی و

محلی تبدیل شده است؛ تفریحی

که دیگر مختص بچه‌ها نیست.

شهرداری منطقه هم به مناسبت‌های

مختلف جشنواره پرواز بادبادک‌ها را در محلات

مختلف برگزار می‌کند و این بار اما جشنواره بادبادک‌ها

به مناسبت هفته هوای پاک در محله مهدی آباد اجرا

می‌شود. این برنامه به درخواست شورای اجتماعی محله

مهدی آباد و با همکاری اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری

منطقه انجام می‌شود. در این برنامه حدود ۲۰۰ خانواده مهدی آبادی

به همراه کودکانشان حضور دارند. برنامه‌ای شاد و مفرح که مورد استقبال

اهالی قرار گرفته است.

عصر روز پنجشنبه آخر دی ماه است. برنامه در کنار فرهنگ سرای در حال احداث

در خیابان شهید شیر نژاد برگزار می‌شود. اعضای شورای اجتماعی محله مهدی آباد

در حال آماده‌سازی فضا هستند. بنری بر روی دیوار نصب شده و سیستم صوت هم با پخش

موسیقی شروع برنامه را اعلام می‌کند. البته که خانواده‌ها معطل شروع رسمی نمانده و مشغول

تلاش برای هوا کردن بادبادک‌ها هستند. روزی برای بادبادک بازی است. چون حتی نسیم

مختصری هم نمی‌وزد. رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه درباره برنامه‌های

ویژه هفته هوای پاک می‌گوید: با توجه به درخواست‌های زیاد مردمی برای برگزاری همایش

کوهنوردی، به مناسبت هفته هوای پاک این برنامه را در بوستان خورشید برگزار کردیم که

خوشبختانه مورد استقبال شهروندان قرار گرفت.

دانیال نظری همچنین به سه‌شنبه‌های بدون خودرو و استفاده از دوچرخه توسط کارکنان

شهرداری اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: ما تنها منطقه‌ای هستیم که ایستگاه دوچرخه

مخصوص به کارکنان داریم. مسئولان و کارکنان شهرداری منطقه سه‌شنبه‌ها با دوچرخه از

پروژه‌ها بازدید و ضمن انجام امور محوله، فرهنگ استفاده از دوچرخه را نیز اشاعه می‌دهند.

## ● ۴۰۰ اثر با موضوع کودک و هوای پاک

جمعیت رفته رفته قوی‌تر شده و برنامه پر شور برگزار می‌شود. خانواده‌ها مشغول ثبت نام فرزندانشان

برای شرکت در قرعه‌کشی انتهای برنامه هستند. در این بین با کارشناس اجتماعی اداره فرهنگی

منطقه در باره نمایشگاه نقاشی در ساختمان شهرداری گفت‌وگویی کنیم. علیرضا حیدری در این باره

می‌گوید: جشنواره نقاشی کودک و هوای پاک با همکاری مدارس منطقه برگزار شد و حدود ۴۰۰ اثر

به دبیرخانه رسید. این ۴۰۰ اثر در راهرو اصلی شهرداری منطقه به نمایش درآمده است. از این تعداد ۵۵

اثر به عنوان منتخب و حدود ۲۵ اثر هم به قید قرعه انتخاب و به کودکان هنرمندان آثار جوایزی تعلق

می‌گیرد. جدا از این همه شرکت کنندگان در این جشنواره با هدیه مختصری قدر دانی خواهد

شد. نزدیک غروب است و برنامه در حال اتمام. اختتامیه جشنواره با تقدیر از بهترین بادبادک‌باز

همراهی می‌شود. محمد رضامیری پور در این روز که هوای ساکنی دارد باد و بیدن بسیار توانسته است

بادبادک‌کش را بالاتر از همه پرواز در آورد. او بادبادک ساده‌ای باد و چوب و نیلون زباله سبز درست

کرده که نخ آن هم معمولی است و دور لوله‌ای کاغذی پیچیده شده است. محمد رضامیری پور می‌گوید:

از طریق یکی از اقوام خبردار شدم که این‌جا برنامه بادبادک بازی است. چوب و نیلون را خودم

تهیه کردم و برادرم بر این بادبادک ساخت. مجتبی حسن‌زاده نیز به همراه همسر و سه دخترش در

این برنامه شرکت کرده است. مهشید، مهیا و مهسا بادبادک‌هایی در دست دارند. یکی از آن‌ها در

قرعه‌کشی برنده شده است. او از برگزاری این چنین برنامه‌هایی در محله بسیار راضی است. معصومه

حسن‌زاده همسر او نیز این روز را تفریح بزرگسالان و کودکان کنار هم می‌داند و درخواست دارد این

چنین برنامه‌هایی بیشتر برگزار شود.

منطقه



منطقه



## محلات منطقه ما:

۵: مهدی آباد، رضائیه، سجادیه، حسین آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین (ع)، نیرزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان و جلالیه

۶: چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقا مصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکادی، شهید شیروزی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه بیست و شهید رجایی

دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
دبیر شهرآرا محله منطقه ۵ و ۶: انسیه شهرکی  
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۵: ۳۳۶۶۱۴۹  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۶: ۳۳۶۶۰۴۰۴

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹  
دفتر منطقه ۵: بولوار ولایت - ولایت ۱۳  
دفتر منطقه ۶: تقاطع خیابان شهید رستمی - شهید شیروزی - فرهنگسرای غدیر  
پست الکترونیک: shahrara.ir @mahalle5  
shahrara.ir @mahalle6  
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh  
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



## کوچه کشتارگاه

مختلف از همه جای شهر به این معبر می آیند تا اجناس مورد نیازشان را با قیمت مناسب بخرند. قبل ترها اما اینجا به کوچه کشتارگاه معروف بود. کشتارگاه درست در انتهای این معبر قرار داشت و حالا جای آن را فرهنگسرای غدیر گرفته است.

نیکو عقیده / کوچه مصلی ۱۵ یکی از پررفت و آمدترین کوچه های این محله به حساب می آید. دلیلش هم کلی فروش هایی هستند که طی ۵۰ سال گذشته نرم نرم به این کوچه کوچ کرده اند. این کوچه حالا به کوچه کلی فروش ها معروف است. فروشندگان اجناس

## کوچه مصلی ۱۵

### منطقه ۶ - محله شهید شیروزی



یکی از مشکلات اصلی این معبر پررفت و آمد، ترافیک شدید آن است که سال ها است به قوت خود باقی است.



به تازگی میدانی کوچکی در اواسط کوچه ساخته شده که بین بازاری ها به میدان ۱۵ (شماره خیابان) معروف است.



در انتهای بازار شلوغ پلوغ مصلی ۱۵، فرهنگسرای غدیر قرار دارد که محل آمد و شد اهالی به ویژه جوانان و نوجوانان و بانوان منطقه است.

بوستان ترنج درست روبه روی فرهنگسرا قرار دارد و مجهز به وسایل بازی کودکان است.

